پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل و چهارم) دو شنبه ۳۰ جدی ۱۳۴۷ ـ ۲۰ جنوری ۱۹۶۹

د افغانستان د خلک دموکراتیک قوت په ټینګ ایمان او بشپړې زړورتیا علام کوی چه د افغانستان ټولی رښتینی ملی، دموکراتیک، ترقی غوښتونکی او هیواد پالونکی قواوی کولای شي چه:

پرته له شخصی، رهبریء، سازمانی او ایدیو لوژیکی غرور او بلند پروازیء نه؛

په آزاد او مستقل ملی دریځ، پرته له دنباله روی، دهغی یادغی داخلی یا خارجی ارتجاعی قوی په اشاری او دستورا او پرته له ملی ضد خوانیو لو نه؛

دملی، ولسی او وطنی جرګو په دود؛

دملی عالیه مصالحو په اساس، او دواحد، آزاد او مستقل هیوادګران افغانستان د خلکو دپراخو پرګنو دګټو په بنا؛

دلوړو مترقی ملی اخلاقو پـه چوکاټ کی؛

د ملی خپلواکی، دموکراسی، ترقی، آزادی او اجتماعی عدالت په خاطر؛

دګډو وجوهو دپیدا کولو او په هغو باندی دټینګار له لاری؛

دیو فوری، اقل حد او ګډ پروګرام دطرح کولو او ګډی عادلانه مبارزی په وسیلی؛

او په پای کی دارتجاع، استبداد، زاړه او نوی استعمار او امپریالزم په ضد، دعمل په یوالی سره په خپل مینځ کی دافتراق او نفاق بحران پای ته ورسوی، یوالی او اتحاد تأمین کړی.

* * *

یک قدم دیگر در راه صلح ویتنام

قرار اطلاعات واصله بالاخره موافقه بعمل آمد که کنفرانس صلح پاریس پس از کارشکنی های زیاد نمایندگان رژیم سیگون و بهانه‌جوئیهای بی‌معنی آنها و نمایندگان امریکا برشکل و ترتیب نشستن بر میز، مذاکره و غیره سر از روز شنبه ۲۸ جدی بدور یک میز مدور آغاز گردد. آغاز مذاکرات وسیع صلح پاریس درنتیجه موضع گیری مثبت جبهۀ آزادی ملی وویتنام‌شمالی وفشار افکار عامه جهانیان پیروزی بزرگ سیاسی برای جبهۀ آزادی ـ ملی ویتنام جنوبی و خلق سراسر ویتنام و شکست دیگری برای رژیم سیگون و حامیان امپریالیستی آن محسوب میگردد. حکومت سیگون سعی فراوانی بعمل آورد تا ازانعقاد کنفرانس وسیع جلوگیری نماید. علت این همه کار شکنی ها و بهانه‌جوئیها ازطرف نمایندگان حکومت سیگون اینست که این حکومت مانند چندین حکومت سلف خویش توسط قوای اجنبی بوجود آمده و بزورسر نیزۀ نیروی بیگانه حفظ می گردد، هیچگونه اعتماد واتکای ملی‌ندارد، ازعواقب اعمال ضد ملی خویش شدیداً هراسان است و از همین جهت از مواجه شدن با خلق قهرمان ویتنام که خواهان صلح، استقلال وآزادی‌وطن خویش اند، سخت میترسند. تمام مردم صلحدوست جهان انتظار دارند که آغاز مذاکرات صلح پاریس بحیث یک‌قدم موثر در راه اعاده صلح در ویتنام به نتایج مفیدی منتج گردد.

قرار آخرین خبر نخستین جلسه این کنفرانس بروز موعود (شنبه ۲۸ جدی) دایر ودرآن برا جندای مذاکرات موافقت بعمل آمد.

راز شکست ناپذیری

یا پیوند باخلق

یکی از علل و عوامل ناکامی درمحو [illegible] استبدادی وارتجاعی در کشورعبارت است از عدم تماس و پیوند نیروهای ترقیخواه ووطنپرست باتوده های وسیع خلق.

از سالهاست که قدرت های حاکمه ارتجاعی افغانستان با تکتیک ها وشیوه های گوناگون تلاش کرده‌اند تا از تماس عناصر و نیرو های مترقی وملی کشور باخلق جداً جلو گیری کنند. زیرا این دشمنان خلق بخوبی میدانند که اگر نیرو های مترقی وملی از توده ها جدا باشند، ورابطه‌ئی به زحمتکشان نداشته باشند، وامکان تماس باخلق از آنها سلب گردد ولو هرقدر شور و هیجان انقلابی ازخودنشان دهند، شعار های پر از خون و آتش، کین و انتقام، دگر گونی و قهر آمیز بدهند بازهم به هیچ‌وپوچ می‌انجامد. به همین جهت است که قدرت حاکمه ارتجاعی افغانستان اولتر از همه از آن عناصر و نیروهای اصیل ترقیخواه ووطنپرست میترسد و به دسیسه علیه آنان دست میزند که بیشتر به خلق اتکاء کنند وازخلق دفاع نمایند و به خلق خدمت کنند وبه رنج های عظیم خلق بیندیشند و متناسب به تحلیل علمی شرایط اجتماعی، سیاسی افغانستان کنونی هدفها و شعار های صحیح مبارزه را بنفع خلق استخراج نمایند و نیرو های خود را برای تحقق آنها متشکل سازند وبمبارزه پیگیر واصولی دست بزنند.

قدرت حاکمه افغانستان از نیروی خلاق و محرکه توده های عظیم خلق میترسد و تماس نیرو های ترقیخواه ووطنپرست رابا توده های وسیع خلق در حکم مرگ خود می پندارد و این یک واقعیت تاریخ است. زیرا مسلم است هرگاه خلق بیدار گردد و به جنبش در آید چون توفان سهمگین، چون سیل خروشان بپا خواهند خاست که هیچ قدرتیرا یارای باز داشتن آن نخواهد بود. آنها تمام زنجیر های اسارت را درهم خواهند شکست و بشاهراه آزادی خواهند شتافت. آنها تمام دستگاه حاکمه فاسد و مرتجع را، تمام هوا داران امپریالیزم را، تمام مامورین رشوه خوار دولت را، تمام مستبدین و متنفذین محلی را به گور خواهند سپرد. به همین علت است که قدرت حاکمه ارتجاعی و نیروهای استعماری وامپریالیستی در کشور درطول مبارزه رهائی بخش ملی واجتماعی افغانستان تاکنون از عقب ماندگی توده ها سؤ استفاده کرده ونیروهای صدیق ملی ودموکراتیک را، ترقیخواهان ووطنپرستان را، خدمتگاران خلق ووطن را درمراحل مختلف مبارزه بوسیله نقاب پوشان سیاه خود، بواسطه جاسوسان واجیران برده صفت خود بنام های گوناگون متهم ساخته اند تا آنانرا ازخلق تجرید نمایند. به همین دلیل است که‌وقتی مردم حقایق ودسایس‌را تشخیص‌داده‌اند، قدرت حاکمه ارتجاعی بشیوه دیگر، از طریق اختناق، ترور و آدمکشی، حبس و زندان دست به تعرض زده‌است تا به بقای عمر ننگین خود ادامه دهد. هم اکنون این مسأله حیاتی و مهم مورد بحث است که آیا نقشه مزورانه قدرت حاکمه افغانستان در زیر نام دموکراسی قلابی و نظام فئودالی همانا در حقیقت متشکل ساختن تمام نیرو های سیاه ارتجاع دریک جبهه متحد نا مقدس علیه ترقیخواهان ووطنپرستان در کشور نیست تا در قدم اول زمینه اساسی جدائی آنها را از توده های مردم تدارک ببینند وبعد آنها را به زندان ها و زیرچوبه‌های دار بفرستند؟

تاریخ احزاب طبقه کارگر وجنبش‌های مترقی بما میآموزاند که هر گاه یک سازمان سیاسی ترقیخواه ووطنپرست باتوده های عظیم خلق (مجموعه زحمتکشان یعنی استثمار شوندگان) رابطه وسیع نداشته باشد ونتواند نیازمندیها وخواستهای توده‌هارا تشخیص دهد، و نتواند شاگردی توده ها را قبول کند و به توده ها بیاموزاند و به توده ها

(ص۲)

م . ا . خیبر

مبارزه علیه احتکار غله

در چه جهتی باید سیر کند

چندی قبل یک عده از دهاتیان زحمتکش کشور به ادارۀ جریدۀ پرچم آمده بودند. آنان دردِ دل رقت‌انگیزی نسبت به گرانی غله (گندم وجواری) درقریه های خود داشتند. آنها عاید خانواده خودرا برشمردند و توضیح کردند که ما نمیتوانیم حتی جواری تلخ هم برای ادامۀ زندگی هلاکتبار خود تهیه کنیم. ماازین مردم رنجدیدۀ کشور پرسیدیم: آیا در قریه های شما هیچ گندم وجواری پیدانمیشود؟ گفتند: پیدا میشود، ولی محتکرین قریه بقیمت کمرشکنی بما بسلم میدهند.

واقعیت دردناک این است که‌رواج احتکار غله وسایر مواد ارتزاقی از طرف ملاکان بزرگ زمین، تاجران، سودخواران و ملاکین بیروکرات (مامورین عالیرتبۀ زمیندار) درسراسر دهات کشور «قانون عام» شده، ولی حکومت و اداره همچنان بسکوت مرگبار فرو رفته است.

احتکار غله نشان میدهد که گوئی تمام ملاکین و ثروتمندان دهات و دستگاه حاکمه دست بدست هم‌داده ودر مورد مهمترین و حاد ترین و ابتدائی‌ترین وطبیعی‌ترین احتیاجات مردم عمداً بمبارزه علیه توده های وسیع خلق برخاسته اند. تجربۀ چندین سال گذشته نشان میدهد که حکومتها در افغانستان قادر نیستند برای حل ابتدائی ترین مسأله یعنی عقیم ساختن احتکار، حتی درچوکات «قانون» مبارزه نمایند.

سال گذشته طرحی برای جلوگیری از احتکار غله از طرف حکومت به شوری پیشنهاد شد، اما تاکنون کوچکترین اقدام عملی بنفع تامین غله صورت نگرفت. نرخهای ثابت برای غله وجود ندارد. اگرهم احیاناً منحیث (فورمالیته) چنین نرخی تعیین گردد، محتکرین که خود در دستگاه حاکمه نفوذ دارند، نرخهارا بضرر هلاکتبار توده های مردم میشکنند، غله را احتکار میکنند واز هر خروار غله سه چند و چهارچند بیشتر سود می برند. محتکرین این کار سیاه را از راه رشوه و تطمیع وبصورت کین توزانه دربرابر توده های عظیم خلق وبدون هراس دوام میدهند.

در کشوریکه هزارها و ملیونها انسان شریف و زحمتکش از گرانی وکمبودی غله رنج می برند و درعین حال در همین کشور که خود را «زراعتی» مینامد ثروتمندان، ملاکان بزرگ ارضی و ماموران عالیرتبۀ فاسد رشوه ستان ملیونها افغانی از درک احتکار غله در کیسه های خود جمع آوری می‌نمایند، آیا طبیعی نیست که توده های وسیع دهقانان ادعاکنند: **«هرکس کارنمیکند، حق ندارد دسترنج مارابصورت نامشروع بدزدد».**

به عقیدۀ ما تا اجرای اصلاحات اساسی و عمیق ارضی، لازم است هرچه زودتر وباقاطعیت تمام قانونی مورد عمل جدی قرار گیرد، تا انبار کردن و پنهان نمودن مازاد غله بمنظور احتکار اکیداً قدغن گردد و ترتیباتی جدی اتخاذ شود تا از

(ص ۳)

بسلسلۀ اعترافات صدر اعظم ووزرای افغانستان:

وزیر پلان چه میگوید...؟!

(از بیانیۀ بناغلی عبدالصمد حامد وزیر پلان در ایام جشن استقلال ـ شمارۀ ۲۱ و ۲۲ سنبله ۱۳۴۷ روزنامۀ اصلاح)

ـ ۲ ـ

ـ «قسمت اعظم وجوه مربوط به پلان دوم به پروژه های زیر بنا و تولید طویل‌المدت و خدمات اجتماعی وازاین جهت عدم توازن بین سرمایه‌گذاری وپیمانۀ تولید و استقراض مداوم از بانک مرکزی نرخ قیمتهارا بلند برد و کشور وارد بمرحلۀ تورم پولی گردید که‌این حالت در اثر اتخاذ یک سلسله تدابیر وقایوی در بدو مرحله از بین رفت. ولی بنابر پارۀ علل رکودی را باخود آورد که امروز هم در مجرای آن قرار داریم.»

سوال: این تلقی نادرست که گویا ساختمان پروژهای بزرگ بنیانی و مصارف در امور خدماتی یگانه عامل تورم پولی بوده و باعث بلند رفتن قیمتها میگردد، دردوران طرح به اصطلاح پلان سوم تاکنون معمول گردیده است. و این نظر تاجائیکه معلوم است در اثر تلقینات «مشاورین» کشورهای سرمایه‌داری که بجز تشبثات خصوصی بمقیاس کوچک وایجاد صنایع سبک بر پایۀ مصرف مواد خام زراعتی، راه‌دیگری را بمثابه دوای درد عقب ماندگی کشورهائی چون افغانستان تجویز نمی نمایند، بو جود آمده است؛ وتوسط بلندگویان آنها، این اقتصاددانان بنام (!) که معتقدند فقط از طریق ایجاد «پروژه های کوچک سریع‌الثمر، خصوصی صنعتی و زراعتی» میتوان رشد اقتصادی افغانستان و کشور های مشابه را تأمین کرد، تبلیغ میگردد. در اثر تعقیب یک سیاست بالنسبه مساعد وآنهم فقط در ایجاد و تأسیس بعضی پروژه‌های بزرگ بمنظور ساختمان بنیانی جامعه در پلانهای اول ودوم کشور، رشد نسبی اقتصادی تأمین گردید. اما در پلان سوم بخصوص پس از تسوید آن بحق و ناحق، بجا وبیجا تأکید بالای سرمایه‌گذاریهای خصوصی، تشبثات خصوصی وایجاد پروژه‌های به‌اصطلاح «سریع‌الثمر اقتصادی» صورت گرفت و در برابر پروژه های بزرگ حساسیت (!) نشان داده شد که نتیجۀ این حساسیت شاید همین گفتۀ بناغلی وزیرپلان باشد که «در اثر اتخاذ یک سلسله تدابیر وقایوی (تورم پولی) از بین رفت» و این بدینمعنی است که چون قدرت خرید فوق‌العاده محدود ده‌ها هزار کارگر (که پس از تکمیل پروژهای بزرگ پلان دوم بیکار ماندند) سلب گردید، بنابرآن تورم پولی از بین رفت بنازیم باین تجویز (!).

نخست باید بناغلی وزیر پلان توجه بفرمایند که در جریان پلان اول ودوم، اگر بعقیدۀ ایشان تورم پولی حکمفرمابود، اکنـون نیز تغییر محسوسی نیافته است، پس چرااز امحای آن صحبت میشود و ثانیاً آنچه باعث ایجاد آن می‌گردیدواکنون میگردد، سیاست نادرست مالی و تجارتی حکومت است، نه عمدتاً نتیجۀ پروژهای بزرگ تولیدی وبه وجود آمدن حداقل قدرت خریدبرای مردم. این اعتراف درستیست که بنابر پاره‌ئی علل (در اثر اتخاذیک سلسله‌تدابیروقایوی) رکوداقتصادی به‌وجود آمد، که امروز هم درمجرای آن قرار داریم. مگر آیا این رکود اقتصادی که سرتاپای تمام جهات زندگی مردم را فراگرفته است، ناشی از تعقیب سیاست نادرست اقتصادی حکومت وتا حدود زیادی، اتکای بدون واقعیت و عمل به‌تشبثات کوچک خصوصی وآنهم بشکل تبلیغاتی آن و حساسیت در برابر پروژهای بزرگ تولیدی که شماآنرا عامل تورم پولی میدانید، نمی‌باشد؟

ـ «به تناسب دول همسویه کوچکترین قسمت عاید ملی صرف

(ص ۳)

د هیواد شپانه په ډیرو بدو

شرائطو کی ژوند کوی

> «ـ دځمکو ددموکرتیکی اصلاح په اساس به‌دچوپانی، ماقبل فیودالی زاړه روابط دلویو مالدارانو له‌ستم څخه دزیارایستونکو شپنو دخلاصون اودهغو دګټو دتأمین دپاره په نویوروابطو بدل شی اود وترنړی او مالداری دوډی په مقصد دخړځایونودتهیی او سمون، دحیواناتو د نسل داصلاح اوحیوانی آفاتو دلری کولو د پاره د مالداری د کوپراتیفونـودتأسیس دلاری لازم ترتیبات ونیول شی.»
>
> (دخلک دموکراتیک مرام ـ اقتصادی برخه ـ دخلک‌دجریدی لمړی او دهمه ګڼه)

پرچم (دافغانستان دخلک دموکراتیک افکار وخپرونکی) دخپل ژوند له شروع‌نه، پرله پسی د هیواد دزیار ایستونکی خلکو ـ کارګرانو، بزګرانو او کسب ګرو ـ دژوند ځړنګوالی‌تر بحث لاندی نیولی او د هغوی دغمځپلی ژوند داجتماعی مناسباتو په باره‌کی ډیر تحلیلونه کړیدی.

په دی مقاله کی دافغانستان دزیار ایستونکو او نجیبو شپنو په هکله بحث‌کوو: باید وویل شی چه یوازی یو څوتنه محدودمالداران، فیوډالان او ملاکان پراخی زراعتی ځمکی او زرګونه پسونه لری.

دا محدود کسان راز راز امتیازات لری او دبیروکراتانو په مرسته دافغانستان په‌زیار ایستونکوبزګرانو او شپنو باندی ظلمونه کوی. ددوی دبی رحمانه‌استثمار له کبله د هیواد بزګران او شپانه‌په ماقبل فیوډالی شرائطوکی پاتی‌دی او نه‌زغمیدونکی دردونه ګالی.

شپانه‌چه دښترو مالدارانو دڅارویو دساتنی وظیفه لری د هیوا په‌بی وزله او زیار ایستونکـو طبقاتو پوری تړلی دی.

زموږ په هیواد کی دشپنو وضعه داسی ده چه‌باید پرله پسی موسمی سفرونه اجراء کړی اوله خپل ټاټوبی اوکورنۍ نه لری پاتی‌شی. په‌دی مشکلو سفرونو کی دشپنو د ژوند وسایل ډیر ساده ده. هغوی یو نیمځی‌یوه تلتکه او یوه بنی لری او ټول دفاعی وسایل یی عبارت‌دی له یوی لکړی اویوه سپی څخه. شپانه وظیفه لری چه په تورو شپو کی، په ګرمیو او یخنیو کـی، په واورو او بارانونوکی رمه له ځناورو او لیوانو څخه وساتی.

اوږدی بیخوبی، پرله پسی منزلونه، دایمی لوږه اوسخت‌فقرد شپنو دټول ژوندنه بیلیدونکی ملګری دی. دشپنو تر ټولو ښی شپې هغه دی چه په‌کومه کوډله، شپوله، سمڅه او یا طبیعی غارکی یی تیری کړی او دګومی‌مړی شوی میری غوښه په انګار اوسکرو

(۲مخ)

پرچم

دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۳۰ جدی ۱۳۴۷

دکتور انا هیتا

کیوبا

یامروارید آنتیلها

تجربه گواه این حقیقت است که‌هرگاه ملتی از قید ستم و اسارت استثمار آزاد گردد، حاکمیت ملی بمفهوم حکومت مردم بر مردم تأمین وتمام ثروت مادی و معنوی جامعه‌در دست زحمتکشان گذاشته شود آن ملت ولو هرقدر کوچک هم باشد، شکست ناپذیر می شود وهیچ قدرتی گرچه بسیار بزرگ هم باشد، نمیتواند سدراه تکامل وترقی اجتماعی آن ملت گردد.

تنها چنین ملتی میتوانید نیروی عظیم، خلاق وغیر قابل شکست خودرا تبارز دهد ودر مدت کوتاهی به عقب ماندگی اجتماعی ـ اقتصادی فرهنگی خویش خاتمه دهد وازاستقلال وحاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود در برابرقدرتهای بزرگ استعمار گر دوران معاصر دفاع نماید.

ملت کیوبا که در اول جنوری ۱۹۶۹ دهمین سالگردانقلاب خود، انقلاب آزادی از اسارت سر مایه و امپر یالیزم را جشن گرفت، نمونه زنده وبارز این حقیقت است. خلق کیوبا در ده سال گذشته، ده سال کار وپیکار، نه‌تنها توانست به عقب ماندگی، فقر، بیماری و بیسوادی قرون متمادی خویش خاتمه دهد وبحیث نخستین ویگانه کشور سوسیا لستی در نیم کره غربی از موجودیت مستقل خود در برابر تهاجمات مکرروتهدیدات پیهم دشمن دفاع کند، بلکه در خط جبهه ضد امپر یالیزم مشعل فروزان مبارزه در راه آزادی حقیقی، دموکراسی واقعی وعدالت اجتماعی را در زیر ریش انکل سام (سمبول امپریالیزم) واستعمار نوین استوار نگهدارد.

کیوبا، که نام اولیه آن (جوانا) بود وکیوبا نام هندی آن میباشد، در ۲۸ اکتوبر ۱۴۹۲ از طرف کرستف کولومب کشف گردید. زیبائی وثروتهائی سر شار طبیعی این کشورچشمان حریص استعمار‌گران اروپائی را به‌خود جلب نمود وهمین امر باعث شد که کیوبا برای قرنها در اسارت استعمار گران بیافتد.

کیوبا، مرواریدآنتیلها تا ۱۸۹۸ مستعمره هسپانیه بود.

مردم شجاع کیو با در سال ۱۸۶۸ تحت رهبری کارلوس مانویل برضدسیستم غلامی واسارت استعماری هسپانیه قیام نمودند وطی ده سال مبارزات شدیدموفق شدندامتیازاتی از هسپانویان بدست آورند. جنبش وسیع ملی مردم کیوبا در سال ۱۸۹۵ تحت رهبری زعیم بزرگ کیوبا (جوز ماتی) آغاز گردید که باوجود وحشت وخشونت شدید که خاصه همه استعمار گران است در سال ۱۸۹۷ نصف سر زمین کیو با درتصرف وطنپرستان کیوبادرآمد. ایالات متحده امریکا در سال ۱۸۹۸ بغرض سوءاستفاده از جنبش آزادی‌بخش ملی کیوبا، در جنگ بین کیوبا وهسپانیه مداخله نمود. معاهده ۱۰ دسمبر ۱۸۹۸ به جنگ بین کیوبا و هسپانیه خاتمه دادوهسپانیه شکست خورده، استقلال کیوبارا برسمیت شناخت.

امریکا طبق معاهده صلح پاریس نه‌تنها افلپاین وپورتو ریکو را که مستعمرات هسپانیه بودند به خود ملحق ساخت، بلکه «حق» مداخله در امور داخلی کیوبارا نیز براساس «مواد هفت گانه اصلاحی پلات» برای خود محفوظ داشت.

طبق این مواد ایالات متحده امریکا «حق» داشت بغرض حفظ حکومت دلخواه و هواخواه خود در کیوبا مداخله کند، کیوبا نمیتوانست بدون اجازه و مشوره امریکا باکدام کشورخارجی قرار دادی عقدنماید یااز کدام کشور قرض بگیرد. باید کیوبا مناطق وسیعی را بغرض تاسیس پایگاهای بحری در اختیار ایالات متحده بگذارد.

گرچه قوای امریکا در ۱۹۰۲ ازکیوبا خارج گردید ولی قرارگفتۀ جارج ماریان «اشغال نظامی کیوبا توسط امریکا که در سال ۱۸۹۸ استقلال آن از هسپانیه اعلان گردید تازمانی دوام کرد که ما آنراتا سرحد متابعت دائمی خوردساختیم وگونتانا مورا که تاحال در تصرف ماست، بدست آوردیم.»

کیوبا در مدت بیش ازنیم قرن چهاربار ازطرف ایالات متحده امریکا اشغال گردید.

انحصارات امپریالیستی امتیازات زیادی در کیوبا بدست آوردند. از جمله زمین زراعتی کیوبا ۲٫۵۰۰۰۰۰ هکتار معادل ۱۲ ملیون وپنجصد هزار جریب بهترین زمین زراعتی به آنها تعلق داشت. صنایع فلز سازی وکیمیاوی، استخراج معادن، ده‌ها تصفیه خانه نیشکر وتیل، برق، شرکت های بیمه وخد مات اجتماعی اکثراً در دست شرکت های امپر یالیستی بود. دهقان کیو با برای دیگران می‌کشت وکارگرکیوبا برای دیگران کارمیکرد وخود جز رنج وبدبختی حاصلی برنمی داشت. سه ملیون تن شکر کیوبا به قیمت انحصاری در ایالات متحده امریکابه فروش میرسید.

مرحله نوین جنبش آزادیبخش ملی کیوبا علی رغم استبداد خشن ارتجاع داخلی و امپر یالیزم به پیروزی نزدیک می شد. گرچه حمله جوانان کیوبا برهبری فیدل کاسترو بر بارکهای نظامی مونکادا در ۲۶ جولائی ۱۹۵۳ به ناکامی منجر شد ولی جنبش ۲۶ جولائی نزدیکی پیروزی ونجات خلق کیوبا از همه انواع ستم واستثمار رانویدمی داد. بالاخره قیام عمومی مردم کیو با برهبری کاسترو در اول جنوری ۱۹۵۹ به پیروزی انجامید. باتیستا وهمدستانش به ایالات متحده امریکا گریختند. ودوران جدیدی در حیات مردم کیوبا آغاز گردید. مردم کیوبا در اثر زحمات خود و به کمک مادی ومعنوی دوستان خودودول سوسیالستی، بخصوص اتحاد شوروی در مدت کوتاه ده‌سال به چنان پیرو زیهای درخشانی نایل گردید که درنیم کره غربی سابقه نداشت.

پلانهای جامعی برای از بین بردن عقب ماندگی قرون متمادی که‌میراث دوره طولانی تسلط مستقیم وغیر مستقیم استعمار کهن ونوین بود، طرح وبمعرض اجرا گذارده شد. اصلاحات اساسی ارضی بعمل آمد تمام دارائی های مربوط به‌انحصارات خارجی بانکها، شرکتهای بیمه، صنایع، تجارت وموا صلات ملی گردید، بیسوادی ازطریق اجرای یک انقلاب واقعاً فرهنگی در مدت کوتاهی محو گردید واکنون کیو با اولین کشوریست در امریکای لاتین که بیسوادی دران وجود ندارد. هر اندازۀ که انقلاب عمیق وتو سعه پیدا می‌کرد، مورد کینه وخشم امپریالیزم واقع می گردیدومحاصرۀ اقتصا دی کیو با را بیش از پیش تنگ تر مینمود تا اینکه‌در ۱۹۶۱ ایالات متحده امریکا باپیاده نمودن اجیران سی.آی.ای درمنطقه «خلیج خوکها» بغرض ایجاداغتشاش ضد انقلابی، بحران شدیدی دربحیره کریبین بوجود آورد. ولی هفت ملیون وهشت صدهزار نفوس کیوبا چون سد محکمی دربرابرمتجاوز استادند وباسرعت وشجاعت عجیبی تجا وز رارد واز استقلال ملی وآزادی خویش در برابر تجاوز دفاع نمودند.

کارگران شریف وزحمتکش پروژه نساجی

بگرامی بیداد میکشند!

کار فرمایان فابریکۀ بگرامی که پروژه ایست در شرق پا یتخت، درستمگری وبیدادبرکارگران وزحمت کشان شریف پروژه، ازهمقطاران خویش در سایر حوزه های کار گری کشور «ماشاءالله» گوی سبقت ربوده‌اند.

درین پروژه بخصوصیات بشری و کرامت انسانی کارگران کوچکترین ارجی نمی نهند، بر ایشان ستم میرود، و پیوسته تحقیر میشوند. مثلا: درین پروژه بالای کارگرانیکه بنابر قحط کار در کشور، به شرایط غیر عادلانه کار درآنجا تن‌درمیدهند، به حساب (ساعت) قرار داد های سه ماهه و شش ماهه تحمیل می‌شود، آنهم بصورت یک جانبه و غیر دموکراتیک و خلاف مواد زین همین قانون ناقص کاروکار گر در افغانستان. کار گران بایدمطابق این قرار داد ها بقید دقیقه‌و ثانیه بدون اینکه حق داشته باشند بفکر کوچکترین وسایل واسباب و یا شرایط مساعد کار بیفتند، جان بکنند و کار کنند واگرلحظه ئی هم بحکم شرایط نامساعدحیات اجتماعی بمریضی وغیره ضروریات شخصی خویش بپردازند، دیگر هیچگونه حقوقی ندارند. نوگوئی اینان ماشینند واز خصلت انسانی بی بهره (!) حتی اگر کار گری بغرض تهیۀ نان چاشت چایجوشی راروی آتش میگذارد، بلا فاصله به جرم(!) اینکه بکار شخصی خویش پرداخته، به دشنام و فحش، مشت و لگد و حشیانۀ کار فرمایان مواجه میشود.

حیات زحمتکشان درین پروژه کوچکترین ارزشی ندارد. همین چند روز قبل محمد قسیم یکی از کارگران زحمتکش تعمیراتی ازاهالی (ده دانا)، در اثر تماس به سیم برق به طور الم انگیزی در حوزۀ کار قربان شد. ولی مقام مسؤول پروژه در بدل زندگی او، به‌بازماندگانش چیزی نپرداخت که آیندۀ ایشان را تامین کرده بتواند.

وسیلۀ انتقال کار گرانرا ازمحل کار تا شهر، درین سرمای طاقت‌فرسا و ایام ریزش برف وباران، موترمی‌سرباز وبی‌درودروازه تشکیل میدهد، ولی موتر حمل چونه را با ترپال می پوشانند. موترهای انتقال مواد تعمیراتی را دریوران سابقه‌دار براه می اندازند واز هر حیث آباد و مجهزند، اما موتر حمل ونقل کار گرانرا کلینران نوآموز میرانند و حتی عادی ترین پرزۀ آن (برفپاک) دیگر جزء سامان‌داغمه بحساب می آید. معهذا درین موتر باصطلاح غراضه (یا جنازه) بجای ۴۳ تا ۴۵ نفر، بیشتر از ۱۲۰ نفر بار میکنند و آنگاه حیات هیچیک از کار گران تضمینی ندارد، چنانکه بروز بیست‌و دوم جدی بالاخره این موتر (!) در جادۀ سید نور محمد شاه مینه بزانو در آمد و بطـور وحشتناکی سر نگون شد وبیش از بیست‌و پنج نفر کار گر رابشکل دلخراشی زخمی و معیوب ساخت.

اینست نمونه‌ئی ازتوجه(!) بحال کار گران شریف و زحمتکش در کشور بلا کشیده ما و طرزبر خورد کار فرمایان دریکی از حوزه های کار گری، آنهم در قلب کشور.

معهذا شگفت انگیز ترانیکه‌وقتی کار گران ستمدیده از اینهمه بیدادگریها بستوه آمدند و بغرض دفاع از خود و رفع ستم و احقاق حقوق مسلم صنفی وانسانی خویش به عکس‌العملهای قانونی (اعتصابات و تظاهرات) دست زدند، آنگاه کار فرمایان استثمار گر وبلند گو یان اجیر دستگاه حاکمه ارتجاعی برای پوشاندن اعمال غیر دموکراتیک و ستمگرانۀ خویش و فریب اذهان عامه، آنرا نتیجۀ تحریک(!) باصطلاح «عناصر ناسالم و...» معرفی میکنند ولی مردم به آواز بلند میگویند:

«بهبه چشم سفیدی وبخ بخ ستمگری!»

لارویه!

لارویه! ولی خپه یی اودڅه لپاره غمجنی سندری بولی؟

ولی د لاری نه اغزیونه شکایت کوی اونه کوهیو اوګړنګونو څخه ویریږی؟

ولی له ستوماني نه فریاد کوی اودلاری نه سختی نه ګیله لری؟

څه له هرنامحرم نه دپښو تڼاکی بیی اولـه هر مساپر نه مرسته غواړی؟

څه له درهزنانو جفا نشی‌زغملای اوولی دمینی‌په‌اوږده لاره‌کی‌بی‌صبری کوی؟

خیر دی‌که تالندی خوری شی؛

خیر دی کـه خونړی بارانونـه راواوریږی؛

خیردی که سیلاوونه، په تیارو غرونوکی ستامنزل مشکل کاندی؛

خیر دی‌کـه شیطانان دلاری په پیچومو کـی ستا پښوتـه دامونه او تلکونه کیږدی؛

دا ټول به دمینی په اوږده او ستومانونکی مزل کـی تاته دسختیو دګاللو او دهدف‌دتعقیب‌زغم درکړی.

دابه تاواز مو یی او پـرغمونو به دبریدوچم دروښیی.

ته بایدپه باد اوباران‌کی، پرکوهیو اوګړنګونو باندی دتیریدو اودانسان پرغمونو باندی دبریدو ترانه بشپړه کړی!

ته باید دزیـار ایستونکی انسان دنوی ژوند حماسه هست کاندی!

ته باید دویری پردی وڅیری اود امید زرین مزی دربړګالونکی انسان دسفر په‌لاره‌کی وغځوی!

ای مقدسه لارویه، ای دورکولادو کشافه! پرمخ‌څه، پرمخ‌څه‌او د زیار ایستونکی انسان د نجات حماسه بشپړه کړه!

سپنتا

رویدادهای مهم جهان

درهفته گذشته

درشرق میانه

تجاوز تحریک آمیز اسرائیل بر میدان هوایی بین‌المللی بیروت وتقبیح این عمل وحشیانه بسویه جهانی باعث آنشدکه حتی فرانسه ارسال اسلحه خود را به اسرائیل منع نماید.

این عمل فرانسه خوشبینی هایی را دردول عربی نسبت به فرانسه بوجود آورده است. ولی دولت متجاوز اسرائیل شدیداً ازآن ناراضی گردیده وتلاشهای جدیدی را برای دریافت منابع جدید اسلحه‌براه انداخته‌است.

پیشنهاد پنج فقره ای اتحاد شوروی راجع به حل صلحجویانه مسأله‌ویتنام امید واریهای تازه یی را در زمینه بوجودآورد. پروگرام ابتکاری اتحاد شوروی از طرف دول عربی حسن استقبال گردید. دولت بریتانیه این پروگرام راحمایت ازدول عربی خوانده واسرائیل آنرا رد میکند.

در حالیکه تجاوزات مکرر زمینی وهوایی اسرائیل برکشورهای عربی مانند گذشته ادامه داشت، اخبار مربوط به اینکه اسرائیل اسلحه اتومی بدست آورده ویا در آینده نزدیک بدست خواهد آورد، موجب نگرانی عمیق مردم صلحدوست جهان میباشد. اگر چنین باشد ویا شود، بعید نیست که صیهونیان برای اطفای هوسهای جنون آمیز توسعه جویی خویش از این سلاح هولناک استفاده نمایند. وباینصورت جهان رابایک جنگ ذروی خطرناکی مواجه سازند. درآنصورت مسؤولیت عواقب آن بدوش حامیان غربی اسرائیل خواهد بود.

دول عربی باپذیرفتن ابتکار شوروی در مورد حل سیاسی پرابلم شرق میانه، حسن نیت وآرزوی شانرابرای بدست آوردن یک صلح عادلانه باثبات رسانیدند. پراودا ارگان نشراتی حزب کمونست اتحادشوروی در این باره مینویسد: «کشور های عربی برای صلح عادلانه سعی‌میورزند پراودا این نظریه دول غربی را که اختلافات اسرائیل و اعراب بدون عقب کشیدن قوای اسرائیل ازمناطق اشغالی حل میشود رد کرده است»

• • •

یک پیروزی دیگر علمی

«سیوز ـ ٤» و «سیوز ـ ٥»

اتحاد شوروی بروز های سه‌شنبه وچهار شنبه کشتیهای فضا نورد «سیوز ـ ٤» و «سیوز ـ ٥» رابه‌مدارزمین پر تاب کرد قوماندان های کشتیهای فضانورد فوق، ولاد میر شتالف و بوریس ولیتوف می باشند. این کشتیها برای یک سلسله تحقیقات وسیع علمی به فضا پرتاب شده است. سفینه «سیوز ـ ٥» که حامل سه‌فضانورد میباشد، هم بامرکز تحقیقاتی در زمین وهم با «سیوز ـ ٤» در مدار زمین ارتباط گرفته است. خبر دیگر حاکیست که فضانوردان روز پنجشنبه گذشته از «سیوز ـ ٥» خارج وبعد از دوساعت شنا درفضای خارجی به «سیوز ـ ٤» داخل شدند.

در حالیکه وینوس ٥ و ٦ به طرف زهره در حرکت است، پر تاب دوسیوز یک پیروزی بزرگ دیگر علمی شوروی در عالم فضا نوردی می باشد. تایمز لندن درین زمینه مینویسد: شهکار بزرگ علمی اتحادشوروی یکباردیگر نمایان شد.

لو موند فرانسه می نویسد: گامهای موثر تربسوی ماه ذریعۀ اتحاد شوروی بر داشته شد. دانشمندان فرانسه میگویند: جزیرۀ هوایی بین زمین‌و مهتاب ذریعۀ شورویها بو جود آمد.

آخرین اخبار میرساندکه‌کشتیهای فضا نورد شوروی «سیوز ـ ٥» و «سیوز ـ ٤» بالترتیب بروز های (۲۷و۲۸ جدی) بعداز انجام موفقانۀ مانورهای کیهانی دو باره بزمین بازگشتند ودر خاک اتحاد شوروی به آرامی بزمین نشستند.

* * *

اعتصابات

در امریکا: ۱۷ هزار نفر کار گر فابریکه طیاره سازی نوع فانتوم در سان لویس امریکا دست به اعتصاب زدند وخواهان مزد بیشترمیباشند. کارگران مخابرات آژانس خبررسانی یونایتد پرس انتر نشنل نیز دست به اعتصاب زدند. کار گران مزد بیشتر و احترام به حقوق اتحادیه کار گری رامطالبه‌دارند. این اعتصاب واشنگتن رابه تشویش انداخته‌است.

در اثر اعتصاب کارگران بنادر، (۳۰۰) کشتی‌بار بردار در بنادر متوقف میباشند. گفته میشود که در این اعتصاب (۷۵۰۰۰) کار گراشتراک دارند.

اعتصاب کارگران نفت همچنان ادامه دارد.

استانبول: اعتصاب کارگران ترکیه درحال توسعه است. در زدوخوردیکه بین کارگران وپولیس رخداد دونفر کارگر وچهار نفر پولیس زخمی گردید. قرار معلوم اعتصاب کارگران در محصلین ترکیه هیجاناتی را بر انگیخته و احتمال دارد پوهنځی ادبیات تعطیل شود.

پاریس: تظاهر کنندگان در شهر های بزرگ فرانسه شعار میدهند که «تجاوز بر ویتنام راقطع کنید!».

کراچی: دکتورهای شفاخانه‌کراچی دست به اعتصاب زدند. آنها خواهان بهبودی شرایط کار، ازدیاد دستمزد و معاشات وبهبود وضع شفاخانه ها میباشند.

لندن: مردم لندن علیه دولت رودیشیا دست به‌مظاهره زدند و بیرق رودیشیارا از فراز نمایندگی سیاسی آنکشور پائین کردند.

توکیو: (۱۳۰۰۰) نفر کار گرراد یو سازی جاپان دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان ازدیاد دستمزد وبهبود شرایط کارمیباشند.

حکومت جاپان برای جلوگیری مبارزات پیگیر مردم جاپان علیه قرار داد های نظامی امریکا، مامورین پولیس خود را در سراسر جاپان افزایش میدهد.

دتیری ګڼی دخبر تفصیل:

دکندهار دمځکو دسروی دشاګردانو مظاهره

د (جدی لـه ۱۲) څخه راهیسی د کندهار دمځکو دسروی د مکتب زده کوونکو دخپلو حقوقو دغوښتنی، دښوونځی دمدیریت دبدی رویی اود نوموړی اداری لـه خوا دمتعلمینو ترمینځ دژبنی او ولایتی تبعیض د ناوړه مفکوری دخپرولو سره دمخالفت په غرض په اعتصاب لاس پوری کړ، دوی لاپخوا تردی، په یوه عریضه‌کی چه دسروی دریاست په عنوان یی لیکلی‌وه په څلرویشتو مادوکی خپل مشکلات او غوښتنی وړاندی کړی‌وی، خودریاست مشرانو ددوی غوښتنوته توجه ونکړه اود پخوا په شان دزده کوونکو دحقوقو اتلاف دوام پیداکړ، نوشاګردانو دجدی د (۱۹) نیټی په سهار لاس په مظاهره پوری کړ، وطنپالونکو زده کوونکو په ډیر نظم له مکتب څخه خپل حرکت شروع کړ اود کندهار دښار په مختلفو ځایونو راوګرزیدل او دویناوو او اشعارو دلوستلو په ترځ کی یی خپلی غوښتنی توضیح کړی.

نوموړی اعتصابونـه او مظاهری دجدی په (۲۵) نیټه بریالی پای ته ورسیدل.

پرچم: د کندهار دمځکو دسروی دزده کوونکو قانونی مقاومت اومبارزه چه مؤفقیت ته ورسیده دزړه‌له‌کومی استقبالوی او ددوی ترمنځ د نژادی اوژبنی بیلتون دراپیدا کولو هر راز ناکام کوښښ او دسایس محکوموی اوغندی ئی.

پرچم
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق
پته: زرلښت مارکیت محمدجانخان واټ
د تیلفون لمبر: ۲۳۱٦٤
دیوې ګڼې بیه ۲٫۵۰ افغانی

دولتی مطبعه

از آثار مترقی

اصطلاحات سیاسی

پارلمان:

پارلمان مجمع نمایندگانی است که دارای صلاحیت قانون گذاری میباشد. در افغانستان آنرا شوری، درایران وترکیه مجلس‌ودرامریکا و برخی از کشور های امریکای جنوبی آنرا کانگرس میگویند. در برخی از کشور ها، پارلمان مرکب از دو مجمع‌است: مجلس سنا (مجلس‌اعیان- مجلس‌لاردها) مجلس‌شوری (عوام - نمایندگان) درافغانستان ولسی- جرگه و مشرانو جرگه.

قاعدتاً اعضاء پارلمان از طرف مردم برای تشکیل قوه مقننه انتخاب میگردند. در برخی موارد عده‌ئی از آنها انتصاب میشوند، مانند: ثلثی از اعضاء مشرانوجرگه‌درافغانستان، نیمی از اعضاء مجلس سنای ایران. گاهی هم این‌سمت رابوراثت‌میبرند، مثل مجلس لارد های انگلستان. درکشورهای‌سرمایه‌داری نوع‌پارلمان از لحاظ ماهیت، میزان قدرت‌ورابطه آن با حکومت ،تشخیص میگردد. در کشور های جمهوری پارلمانی مثل، ترکیه و هند ویا در ممالك مشروطه شاهی مانند انگلستان، دنمارك وغیره اصل برین است که پارلمان بر کلیه اعمال حکومت نظارت دارد. در کشور های‌دیگر که رئیس‌جمهور از اختیارات وسیع بر خورداراست مثل‌امریکاوفرانسه‌وعده‌ئی‌ازکشورهای امریکای لاتین ،پارلمان فقط از نگاه قانون گذاری نقش عمده‌را اجراء میکند. در هر دو صورت پارلمان با اختیارات وسیع یامحدود کم یابیش، صوری یا عملی وتا حدودی مستقل فعالیت میکند.

حساب در کشورهای دارای‌نظام‌های دکتاتوری مثل پاکستان، ایران ویتنام جنوبی وغیره اگر چه بظاهر پارلمانی هم داشته باشند، جدا است. درین دسته از کشور ها پارلمان فاقد هرگونه ماهیت حقیقی است. سران رژیم، رهبران‌نظامی، دکتاتوری های دست نشانده به صحنه سازی های انتخاباتی دست میزنند، در حقیقت عده ایرا به صفت نمایندگان سنا و شوری انتخاب میکنند تا چهرهٔ نظام های استبدادی رابپوشانند.

در کلیه ممالك نیمه فئودالی و سرمایه داری به عناوین و اشکال مختلف به آراء مردم دست اندازی شده، افکارعمومی‌منحرف میگردد و محدودیت هائی ایجاد میشود تا پارلمان بطور کلی بیانگر افکار و عقاید آنها باشد وهرچه بیشتر عدهٔ نمایندگان اصلی زحمتکشان کمتر گردد. برای انجام این امر موانع مختلفی از محدودیت سن، نژاد، جنس ودارائی گرفته تاسیستم‌های ضد خلقی انتخاباتی، محروم کردن نیرو های مترقی ودموکراتیك از مبارزات انتخاباتی یا وارد کردن تاثیر بر افکار عمومی، جلو گیری از استفاده مساوی وسایل تبلیغاتی‌و بالاخره تعویض آراء، مداخله در صندوق آراء وغیره‌ایجاد میگردد.

مبارزه پارلمانی:

مبارزه پارلمانی یکی از اشکال مبارزه طبقاتی از نوع سیاسی آن میباشد، احزاب مترقی وکارگری ضمن بکار بردن سایر اشکال‌مبارزه وظیفه دارد در صورت شرایط‌مساعد ازین نوع مبارزه نیز استفاده کند. مردم را بسیج نماید و سیاست های ضد ملی را از طریق مبارزات انتخاباتی افشاء و سعی نماید تاعده بیشتری از نمایندگان واقعی مردم‌را به پارلمان بفرستند. درپارلمان از تربیون رسمی برای بیان خواستها وپروگرام عملی استفاده به عمل آرد.

نفی مبارزه پارلمانی بهمان اندازه غلط ومضر به جنبش است‌که مطلق کردن آن. صورت اولی انحراف‌چپ ونفی استفاده از یك سلاح مبارزه است ودومی انحراف راست،منحصر ساختن مبارزه فقط به یك شکل و محروم کردن خلق کارگر از اشکال دیگر مبارزه می باشد.

احزاب مترقی‌وکارگری از مبارزه پارلمانی برای‌دفاع‌حقوق زحمتکشان واستقلال کشور، برای جلو گیری از تبدیل پارلمان به یك‌موسسه زائیده هیأت حاکمه و برای افشاء سیاست ضد خلقی آن - استفاده میکنند.

خارج کردن پارلمان از صورت یك زائیده حکومت، تأمین شرکت آزاد در انتخابات، معرفی کاندیدها، انداختن‌آزادآراء به‌صندوق‌ها از جنبه های عمدهٔ دفاع از دموکراسی است.

مبارزه برای آزادی انتخابات یکی از اشکال مهم مبارزه بخاطر حفظ دموکراسی است، در شرایط کنونی جهان، طبقه کارگر برخی از کشور های سرمایه داری امکان آن را دارند که با استفاده‌از دست‌آورد های مبارزه خود ،اکثریت مردم رابه دور خود گرد آورده، برای احراز اکثریت قاطع در پارلمان و تبدیل آن‌از آلهٔ مفاسدطبقاتی‌بورژوازی‌به وسیله‌ئی در اختیار مردم، کوشش نمایند. و ضمن‌آن‌مبارزهٔ توده‌های‌بزرگ‌راخارج ازپارلمانی ادامه‌دهند ومقاومت‌نیروهای ارتجاعی را درهم شکنند. مبارزات پارلمانی در شرایط کشورهای سرمایه داری یکی از اشکال مبارزات مسالمت آمیز است که از راه بسط پیگیر مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر ودهقان به‌جلب طبقات متوسط شهری علیه سرمایه بزرگ انحصاری، علیه ارتجاع ودر راه اصلاحات عمیق اجتماعی ودر راه صلح و سوسیالیزم می پردازد.

در هر صورت احزاب مترقی و کارگری باید به کلیه اشکال مبارزه پارلمانی وغیر پارلمانی‌وغیره وتغییر یك شکل به شکل دیگر مبارزه‌آماده باشند.

به سلسلهٔ حقوق اقتصادی‌واجتماعی کار گران

آسه‌مائی

بیمه‌های اجتماعی

-۲-

پرنسیپ های اساسی بیمه های اجتماعی کارگران

- بیمه های اجتماعی باید تمام کارگران کشور را، بدون استثنا صرف نظر از نژاد، قوم، جنس مذهب وعقیده شامل‌باشد. از طریق بیمه های اجتماعی کلیهٔ کارگران کشور می توانند کمك های لازم را در یافت دارند که برای اجرای آن منابع مالی معینی در اختیاراتحادیه های کارگری باید قرار گیرد.

قسمت اعظم مصارف بیمه های اجتماعی را باید دولت وموسسات و فابریکات تمویل نمایند و قسمت جزئی آن به یك فیصدی کم توسط خود کارگران تکافو گردد. مساعدت هائی که از طریق بیمه‌های‌اجتماعی برای کارگران بعمل می آید، باید تحت موازین و مقررات‌دموکراتیك معینی در موارد عمدهٔ زیرین انجام گیرد:

- عمده ترین جزء بیمه های اجتماعی کارگران را حقوق تقاعد تشکیل میدهد که‌باید به‌کارگران و اعضاء فامیل های شان‌در صورت سالخوردگی و معیوبیت، در برابر از دست رفتن نفقه رسان فامیل و انجام خدمات طولانی، تادیه گردد.

پرداخت حقوق تقاعد در موارد فوق باید بطور دوامدار به کار گرو اعضای فامیل شان صورت گیرد. البته حقوقی را که کارگران در یافت‌خواهند داشت نظر به‌مدت خدمت، نوع کاری که انجام داده اند، درجهٔ صدماتی که در حین انجام کار متحمل گردیده اند وغیره فرق‌می نماید، مثلا کارگرانیکه در کار های دشوار مانند امور معادن و غیره کار های زیر زمینی اشتغال دارند و یا در شرایط مشکل کار می نمایند، بایدبه‌سنین پائینتر به تقاعد سوق گردندومدت خدمت‌ایشان کوتاه گردد، یا آنهائیکه در امور خطرناك بکار می پردازند باید حقوق امتیازی تقاعد در یافت نمایند و یا حقوق کارگرانیکه برای یکمدت کار مینمایند و برای مدتی کار را ترك میدهند و بار دیگر در موسسهٔ دیگر به کار مشغول میشوند ،تلف نگردیده و مجموع مدت خدمت شان محاسبه گردد. سن تقاعد و مدت خدمت زنان در هر صورت باید کمتر از مردان باشند.

حقوق تقاعد پیری از پنجاه تا صد فیصد مزد معاش را دربر گرفته میتواند، یعنی آنانیکه هنگام ترك کار معاش شان کم است باید فیصدی بیشتر را حاصل نمایند تا آنهائیکه معاش بیشتر دارند.

بمنظور جلو گیری از صدمات در حین انجام کار، باید شرایط لازم تحفظی در نظر گرفته شود، شرایط کاربیش از پیش صحی ساخته‌شده و بهتر گردد، ولی کارگرانیکه علی رغم تمام پیشبینی‌های تحفظی باز هم صدمه دیده و معیوب می گردند، باید حقوق لازم را در یافت دارند.

معیوبیت کارگر اگر قسمی باشد باید کاری آسانتر با معاش لازم که بودجهٔ فامیلی اش را بر هم نزند برای وی داده‌شودو هر گاه‌معیوبیت کلی باشد، یعنی کارگر معیوب، نتواند هیچکاری را انجام دهد ویا کارگر در اثر صدمه ،مریضی یا عوامل دیگری بمیرد، باید حقوق تقاعد برای اعضای فامیل وی به طور دوامدار تادیه گردد.

- کارگران تمام کمکهای طبی مجانی را، از یك بانداژ (بسته‌کردن زخم و شکستگی) ساده گرفته تایك عمل جراحی مغلق (بعضا برای‌چندین سال) درشفاخانه‌ها، دریافت‌دارند. به یك کارگرباید ازاولین روز های بیماری اش از پنجاه تا صد فیصد مزد وی بر طبق مدت استخدام پرداخته شود. اگر معیوبیت‌موقتی در اثنای کار برای کارگر رخدهد، باید او در جریان اینمدت‌صد فیصد مزد خودرا در یافت دارد، اعضای فامیل کارگران باید بیمهٔ صحی داشته باشند.

- برای مادران‌تسهیلات‌وکمکهای لازم باید فراهم گردد. مادران حامله باید علاوه بر رخصتی های معمول، رخصتی مخصوص یکصد روزه را قبل و بعد از حمل‌بادریافت معاش کامل بدست آرند.

- یکی از حقوق عمدهٔ‌کارگران حق کار است که‌باید بر طبق‌کمیت‌و کیفیت کار برای ایشان تضمین گردد. دولت مکلف است که بیمهٔ بیکاری را مروج ساخته ،فیصدی معینی از مزد کارگرانی را که کار نمی یابند، تادیه نماید و خود را مسؤول کاریابی و اشتغال مجدد کارگران بیکار بداند. البته طریق اشتغال همه بکار معلوم است و آن رشد سریع ومداوم اقتصاد میباشد که باعث استخدام وسیع میگردد واین وظیفه حکومتها ست که چنین شرایطی را بوجود آورند.

از آنچه‌مختصرا در بارهٔ بیمه‌های اجتماعی کارگران نبشته آمده‌میتوان نتیجه گرفت که:

بیمه های اجتماعی عمده ترین و اساسی ترین مطالبات اقتصادی و صنفی کارگران کشور ما را که اکنون فاقد آن اند، تشکیل میدهد. معهذا کارگران افغانستان باید در پهلوی خواستهای دیگر اقتصادی و صنفی شان مبارزهٔ‌مؤثری را جهت تامین کامل بیمه های اجتماعی انجام دهند.

نیروی دموکراتیك خلق افغانستان نیز بحیث پیش آهنگ طبقهٔ کارگر کشور وظیفه و مسؤلیت خود را در زمینهٔ این خواست و دیگرخواستهای اقتصادی و اجتماعی کارگران احساس‌کرده است واز حقوق و آزادیهای سیاسی واجتماعی کارگران کشوردلیرانه و پیگیر دفاع میکند.

(دلوړی مخ پاتی)

دهیواد شپانه په...

باندی وزیته کاندی.

دبیابانونو اورده چوپیا، دبادونو عور هار، دباران شرنکی او دتالندی دهشتناك آوازونه، هغه محیط دی‌چه دتل لپاره دشپانه‌په هستی باندی احاطه لری.

ددی لپاره چه شپانه تل په‌غذایی فقر اخته دی‌اوصحی اوبه نه‌ورسیږی په راز راز ناروغیو اخته کیږی او د- سرتلفات یی ډیر زیات‌دی.ډیروشپنو بخپل ټول عمر کی دوانده لیدلی. هغوی دمرض‌په وخت‌کی‌دډیرولرغونو او ابتدایی طریقو نه استفاده کوی‌لکه داغ‌ایښودل، وینه ایستل، پوستوکی اغوستل او ...

له شپنوسره دمالدارانو (مالکان) رویه ډیرخیره اوله انصافه لری ده- ډیر ځله داسی کیږی چه یو شپون خپل‌ټول‌مزددتلف‌شویو پسونو په تاوان کی ورکوی او تش لاس بیرته‌کورته ځی.

دشپنو د اجرت‌په‌باره کی، دهیواد دبیلو بیلو سیمودو دونه اورا جونه بیل دی. دافغانستان په نیمه جنوبی برخه کی دوه ډوله شپنی رواج‌لری.

۱- یو شپانه ته چه دیوه‌بشپړ کال لپاره استخدام شوی‌وی-له‌هرو شپږو نرو وریونه یو وری او له هرو لسو ښځو وریونه یوه وری. ورکول کیږی اوبرسیره پر دی‌دوړیو دوړګ ځلر مه هم دشپانه وی.

۲- هغه شپانه چه د معین وخت لپاره نه وی استخدام شوی، هغه په هره میره(یوه نیمه افغانی په میاشت کی) اخلی او دوړګ ځلر مه هم دده وی. مګر اکثر مالداران دشپنو ددی محدود اوکم مزد په مقابل کی هم حیلی او دسیسی جوړوی او په وړو پلمو د هغوی حقوق غصبوی.

شپانه پر ذکر شویومشکلاتو سر بیره، دورشو دپیدا کولو، په‌ځینو سیمو کی دباران داوبودذخیره کولو او نورو سره هم مخامخ دی.

له دی ټولو ربړ ګالو سره سره‌په پای کی هغه پسونه او وړی اوورین محصولات چه دشپنو دزیار مو لود دی، یاپه قاچاق دباندی استول‌کیږی اویاپه تجارتی ذرایعو دلندن،پاریس، بن‌اونورو ښارونو ته‌ځی‌اوله‌دی بابته دافغانستان دفیوډالانو او مالدارانو جیبونه ډکوی اوشپنو ته هماغه‌خواری چه پاتی ده لاهم پاتی ده.

دشپنو دا اورده او در دونکی بد مرغی د هیوادډناوړو شرایطو او دفیوډالی او ماقبل فیو ډالی نظام نتیجه ده.

لنډه داچه د مالداری نا مساعده او ابتدایی‌وضعه نه‌یوازی داچه‌دشپنو ژوند تهدیدوی، بلکه کوچنیو او متوسطو مالدارانو ته هم مطمئن‌عاید نه ورکوی او دشپنو استثماریدل‌ورځ نر ورځی پراخوی.

شپانه دفنی وسایلو دنشتوالی‌او دمالداری دنویو طریقواو دورشوګانو دعدم مساعدت له کبله نشی کولای چه حیوانی محصولات دتولید لوړو درجوته ورسوی.

زیار ایستونکو شپنو،اوښبنو او باده وانانو سخت فقر دو رستو اجتماعی او اقتصادی مناسباتو او دنوی‌استعمار دنفوذ زیږنددی. نوی استعمار غواړی‌پر مختلونکی‌هیوادونه بخپلو ابتدایی مواضعو کی وساتی نو څو یوی خواله هغوی د خپلو صنعتی‌مالونو دبازار او دخام موادو دګدام په حیث استفاده وکړی او له بلی خوا په هغوی‌کی د ملی اوکارګری نهضتونه مخه ونیسی.

د.رزمیار

از(ص اول)

راز شکست ناپذیر...

اتکاء کند ودرتشکیل توده‌ها کمك کند، نمیتواند یك نیروی واقعی، یك سازمان سیاسی طرازنوین واقعی شده وبرای رهبری ملیونها افراد زحمتکش (دررأس آن طبقه کارگر) شایستگی داشته باشد ودریك جبهه با متحدین خود نظام فرتوت طبقه حاکمه، این نظام‌ستمگر واستثمار گر را از جامعه ریشه کن سازد.

دشمنان خلق افغانستان که بالای سازمان های سیاسی مترقی حمله میکنند وبدین وسیله بعمر سیاه خود ادامه میدهند همیشه سه هدف دارند: (۱) از رشد و تکامل سازمانهای سیاسی ترقیخواهان واقعی خلق جلو گیری کنند، (۲) وحدت واتحاد آنها را ازهم بپاشند، (۳) تماس ورابطه‌ترقیخواهان وطنپرست را از توده ها قطع کنند. تجربه نشان میدهد که سازمان‌های سیاسی ترقیخواه ووطنپرست بخطر سوم دیرتر و کمتر توجه میکنند و به همین جهت ضربات هلاکتبار از این راه دیده اند. البته نباید ازنظر انداخت که تشکیل، حفظ، تحکیم ووحدت سازمان سیاسی طرازنوین (حزب طبقه‌کارگر) نخستین وعمده ترین وظیفه است (درباره چنین حزبی صحبت خواهیم کرد). ولی اصولا سازمانهای سیاسی، وحدت و جبهه وسیله است نه هدف.

سازمان سیاسی مترقی که کار در بین توده ها را فراموش کند، با توده ها قطع رابطه کند، درحقیقت هدف خود، زندگی خود را فراموش کرده‌است ودراین صورت محو او دراولین ضربه ارتجاع قطعی است. متأسفانه در جریان تاریخ میتوان نمونه هائی یافت که چگونه ارتجاع از این پاشنه آشیل و نقطهٔ ضعف سازمانهای سیاسی طبقه کارگر استفاده کرده، به حمله و هجوم پرداخته و در نتیجه باعث عدم‌مؤفقیت نیروهای ترقیخواه ووطنپرست گردیده‌است.

از اینجاست که ضرورت تماس با توده ها مطرح میگردد.

برای چه‌منظوری تماس باتوده‌هایك ضرورت است

ضرورت تماس با توده ها برای دومنظور احساس میگردد: یکی بمنظور درك روحیات، عادات، و تشخیص خواستهای توده ها (بحیث شاگرد توده‌ها) تا بتوان بر اساس آنها مشی صحیح توده ای و شعار های درستی برای مبارزه طرح کرد. دوم به‌منظورپخش، تبلیغ‌وتوضیح‌شعارهای مبارزه در هر زمان و مکان‌معین (بحیث‌معلم توده‌ها) تاآنکه توده ها شعار ها را از خود بدانند ودرجریان مبارزه بصحت و حقانیت آنها اعتقاد پیدا کنند و به جنبش بگرایند.

باید خاطر نشان ساخت که‌تأمین دو منظور فوق بشیوه بیروکراتیك واز پشت میز «دفتر اداری وسیاسی» امکان پذیر نیست. برای تحقق این دو منظور باید میان توده ها رفت، از آنها آموخت، تجارب و نظرات‌آنها راجمع بندی کرد و بشکل فشرده وشعار های روشن در آورد وسپس دوباره بمیان توده ها رفت و این نظرات و شعار ها را تبلیغ وتوضیح کرد تاتوده ها به تجربه و عمل‌خود آنهارا ازخود بدانند وآگاهانه‌بفعالیت روزمره مبارزه جلب شوند. این کاررا باید تکرار و تکرار کرد تادرهر مرحله این نظرات و شعار ها درست تر، زنده‌تر ومؤثرتر وخلاق‌تر وپر مایه‌تر گردد. این قانون تئوری انقلابی‌است. این مشی توده ای است که خلق را بآزادی میرساند.

بدون توجه عمیق به چگونگی زندگی توده ها، به‌دردهای‌مردم، به‌خواستهای خلق از قبیل غله،زمین، کار، نان،سوخت، دوا و طبیب، مکتب، لباس، مسکن، ازدواج، رفاهیت خانواده، نجات از ظلم و ستم متنفذین محلی وماموران دولت ودهها مسایل دیگر که به رفاه مادی و معنوی توده های وسیع خلق تعلق میگیرد، نمیتوان خلق‌رابه جنبش دعوت کرد و مشکلات شانرا حل‌نمود.

تئوری علمی میگوید:

انجام جنبش با اتکا به توده های مردم وبشرکت عمومی خلق صورت گرفته میتواند. کار جنبش رانمیتوان صرفا باافراد قلیلی که جدا از خلق «نعره‌بازی» میکنند به پیش برد. تجارب احزاب پیشرو و طراز نوین طبقه کارگر بما می آموزاند که‌باید سیاست و سبك کار صحیح همواره با خواستهای توده ها در هر زمان ومکان معین منطبق باشد تا رشته های پیوند ما را با توده ها تحکیم بخشد. امراض بچگانه مانند سکتاریزم، دگماتیزم، ماجراجوئی، قدرت فروشی، و تند خوئی،چپروئی وچپ نمائی و شعار های انقلابگیرانه از لحاظ مشی توده ای زیانبخش است واین بیماریها باعث جدائی ما از توده ها میشود. باید درنظرداشت که انقلاب توده ای با«سفارش و صدور از خارج» یا با تمایل وتحکم واستخدام و تطمیع پولی چند نفر وبا فحش و دشنام و دروغ پردازی اجرا شده نمیتواند. بدون جلب اکثریت توده های استثمار شونده (زحمتکشان) و بدون افزایش قابل ملاحظه فعالیت توده های خلق‌نمیتوان انقلاب ملی واجتماعی را بپیروزی رسانید. پیروزی جنبش انقلابی در صورتی امکان پذیر است که یك سازمان طراز نوین سیاسی بتواند پیوند خود را با توده ها بر قرار سازد و در جهت نیاز مندیها و آرزو های آنها عمل کند و بوسیله صحت رهبری و صحت استراتیژی و تاکتیك سیاسی (که توده های وسیع خلق با تجربه خود به صحت آنها یقین حاصل کند) شایستگی پیشآهنگی و انضباط سازمانی‌خودرا تأمین نماید.

در شرایط کشور ما دیده میشود که توده های وسیع خلق دردها و شکایات و نیاز مندیهای فراوان دارند ولی ازنظر ذهنی هنوز آنها باین نیاز مندی وازعلت درد های‌خود آگاهی ندارند. در چنین صورتی مابا ید با صبر و شکیبائی، کارپیگیر توضیحی را درمیان خلق به پیش ببریم تا خود توده ها تصمیم‌بگیرند نه اینکه عوض آنان ما تصمیم‌بگیریم. هر کار و فعالیت که بدون آگاهی وتمایل خلق انجام گیرد به شکست منجر میگردد.

بههمین جهت از تمام عناصر ترقیخواه و دموکراتیك خلق افغانستان دعوت‌میگردد که‌برهشیاری خود بیفزایند و بتوده ها پیوندخودرا تأمین نمایند، خلق را از اعماق روح وقلب خود دوست بدارند، بفریاد

(صه ۳)

دستگیر پنجشیری :

فقر مردم و موترهای تیز رفتار

در افغانستان، کشوریکه ابتدائی‌ترین نیاز مندیهای حیاتی اکثریت مطلق مردم در آن بر آورده نشده است‌هر گونه وسایل تجملی و آسایش برای گروه محدودی از صاحبان امتیاز بطور روز افزون و بدون در نظر گرفتن بنیهٔ‌ناتوان مالی‌کشور ،آزادانه وارد میگردد. بخصوص در سالهای اخیر ،طبقات مرفه الحال جامعه علاوه بر وسایل گوناگون راحتی دیگر، برای کسب آوردن موترهای تیز رفتار بحیث وسیله تشخص و آسایش تلاش میورزند. باملاحظهٔ این تلاش و عطش جنون آمیز خانواده های ثروتمند و مفتخوار، تاجران، دلالان موتر، سیاحین غربی و خارجیان، افغانستان را بازارسیاه موترهای تیز رفتار ساخته‌اند. بجای آنکه وسایل کافی‌ترانسپورتی (کامیونها، سرویسها و ...) برای انتقال اموال و رونق تجارت داخلی و راحتی مردم تدارك دیده شود، از یکسو زمینه برای تورید انواع موترهای رنگارنگ تیزرفتار شخصی ورسمی، علی رغم تنقیص بودجه از طرف ولسی جرگه درین زمینه، مهیا میگردد و با صرف مقادیر بیشتر پترول و تهیهٔ پرزه جات، و ترمیمات آن مبالغ هنگفتی اسعار از ما حصل دست رنج مولدین وزحمتکشان تهیدست کشور بهدر می رود و از سوی دیگر باعبور ومرورراینهمه عرادجات و موتردوانیهادر جاده‌های تنگ و کم عرض، بخصوص شهر کابل، برای مردم مزاحمت هائی ایجاد میشود.

باتأسف حکومت نه تنها درین زمینه مانند بسا مواردیگر ،اقدام مثبتی بعمل نمی‌آورد بلکه تسهیلاتی را بنفع‌گروه کوچکی از آسوده حالان جامعه فراهم می سازد که مثال زیرین نشان دهندهٔ این حقیقت است:

در آغاز سال جاری هیأت وزرای افغانستان مجلس فوق العاده ایرا دایر ودر بارهٔ تحصیل مالیات و مکلفیت‌های «قانونی» اشخاص و موسسات انفرادی جرأت (!) به‌خرج داده، تصویب کردند که«وزارت خانه های مالیه، داخله...در مورد تحصیل مالیات تدابیر مؤثروجدی اتخاذ نماید».

بر طبق این تصمیم مجلس وزراء مدیریت‌ترافیک کابل سرعت‌عمل (!) نشان‌داده بعداز ۸ ماه هیاهوئی را براه انداخت که باید صاحبان موترهای تیز رفتار محصول گمرك، حق‌الانحصار ومحصول ترافیك را که‌از ابتداء نه پرداخته‌اند،درظرف چندماه به‌اقساط به پردازند.درینجا سوالی به وجود می‌آید که ادارهٔ مالی دراینمدت کجا تشریف داشتند؟ پاسخ روشن است: دستگاه اداری افغانستان چون خدمتگزار طبقات و قشر های مرفه‌الحال ،این‌صاحبان موترهای تیز رفتار یعنی بیروکراتها، کمپرادورها وقشر ارستوکرات کشور است، بنابران طبعا دست به عملی نزد که‌بمنافع ایشان صدمه بزند. دلچسپ است! هم اکنون عوض آنکه در چنین‌جامعهٔ فقیر جداً جلو افزایش بیموردموتر های تیز رفتار گرفته شود و یاآنکه موترسواران مورد سوال و مؤاخذه جدی قرار گیرند که چرا نه تنها مکلفیت‌خود را اداء نکرده و نمبرپلیت جعلی را که جرم بزرگی است بکار میبرند (طبق تخمینات قسمت بیشتر موترهای تیز رفتار شخصی فاقد نمبر پلیت رسمی است) تسهیلات نیز فراهم میگردد. اکنون قضاوت بفرمائید که ادارات‌مالیاتی چطور سخاوتمندانه (!) منافع خلق را بسود یکعده محدود صاحبان نفوذ زیر پا مینمایند ،در حالیکه همه دیده اند که همین ادارات‌مالیاتی چگونه با خشونت و بدون اندکترین گذشت در برابر دهقانان کم زمین، خرده مالکان و پیشه وران برخورد مینمایند، آنانرابخاطر حصول‌مالیات شان، روز ها در دفتر مالیاتی سرگردان میسازند.

بنا بران منحیث یکی از مسایل روز، باید بهیچ شعبه وادارهٔ‌دولت حق داده نشود که منافع مردم را قربان آسایش معدودی‌از طفیلی‌های جامعه سازند و تسهیلات غیر لازم را برای طبقات مرفه الحال جامعه مهیا گردانند.

مردم در برابر ورود بی بند وبار موترهای تیز رفتار واستفاده از موترهای دولت‌اعتراض‌میکنند!

از (ص اول)

وزیر پلان چه میگوید...

سرمایه گذاریهای پلان گردیده. بعبارت دیگر سهم مالی مردم ما در تمویل پلانهای انکشافی نسبت به دول همسویهٔ ماکمتر است.»

سوال: برای آن سهم مالی‌مردم در تمویل پلانهای انکشافی نسبت به دول «همسویه» کمتر است که اولا زحمتکشان که قسمت اعظم‌مردم راتشکیل میدهد کمترین سهمی از عاید ملی دارند وحداقل نیازمندیهای ایشان تأمین شده نمیتواند، ثانیاً عدهٔ معدودی که قسمت عمدهٔ عاید را بدست میآورند، از برکت آزادیهای بیحد وعصریکه‌درین «ملك‌بی‌پرسان» نصیب گردیده اند، آنرا در امور غیرتولیدی بمصرف میرسانند و یا به اشکال گوناگونی از کشور خارج کرده، دربانکهای خارجی ذخیره مینمایند و یادرساختمان منازل، آپارتمانها و تجملات بیمورد و خرید زمین بهدر مصرف میکنند. سوال درینجاست: وقتیکه مسلم است قسمت عمدهٔ عواید ملی ما توسط معدودی از صاحبان امتیاز (ملاکین فئودال، تاجران بزرگ دلال و ملاکین - بورژوا بیروکرات) به‌یغما برده میشود، پس چرا در پی جلوگیری ازآن برنمی آئید وطرق‌بکار بردن‌سهم بیشتر آنرا در امور انکشافی کشور تجویز نمی‌فرمائید؟ معلوم است که اینکار از عهدهٔ این چنین حکومتها (که برپایهٔ آن‌طبقات واقشار جامعه که عواید ملی راغارت می‌کنند استوار است) ساخته‌نیست. آیاچنین نیست؟

— «تشویشی حکومت از تنزیل ارزش افغانی سبب شد که‌درسالهای ۴۴-۴۵-۴۶- استقراض از بانك مرکزی و یا کریدت های بانك‌محدود ساخته شود.»

سوال: تجویز خوبی نیست که بخاطر پوشانیدن نواقص ناشی از سیاست غلط اقتصادی، ارزش پول را بصورت مصنوعی با کاستن‌مقدار وسرعت دوران آن حفظ کرد. این خود نمایندگی از تقلیل قدرت خرید وپائین آمدن سطح زندگی مردم و رکود اقتصادی مینماید. چرا برای جلوگیری از تنزیل نرخ افغانی به سیاست تجارتی درهای باز خاتمه داده نمیشود و تولیدات‌داخلی و صادرات کشور افزایش وبهبود نمی یابد؟

— «درعین چنین جریانی‌اشتیاق زیاد به واردات که بیشتر نتیجهٔ ازدیاد یکنوع تقاضای غیر واقعی‌بود وازطرف دیگر چنین اشتیاقی تجمل پرستی را تقویه مینمود که همراه با عدم موثریت قیود گمرکی سبب ازدیاد و استحکام سطح واردات حتی درشرایطی گردید که قدرت خرید اکثریت تقلیل یافته بود.»

سوال: درچنین اوضاع و احوالی که اکثریت مطلق مردم از طرف‌عدهٔ معدودی از ستمگران و استثمارگران چاپیده می‌شوند، قسمت اعظم عواید ملی باین عده تکیه مینماید و بخاطر ارضای تفاخرات این نازپرورده‌های سرباری جامعه، مقادیر زیادومتنوع اموال تجملی بی لزوم وارد میگردد، دست سرمایه داران بزرگ کمپرادور ومحتکر در تمام امور اقتصادی‌کشور باز است، تجار و نمایندگیهای تجارتی کشور های سرمایه داری و وابستگان آنها شب و روز بغارت‌و دزدی مشغولند، سر حدات شرقی، جنوبی و غربی کشور برروی همه اموال قاچاقی باز است، طبیعی‌است که اشتیاق به تجمل پرستی وازدیاد واردات بیشتر می‌گردد. پس‌وقتیکه بناغلی وزیر پلان باین امر اعتراف میکند، کدام است آن تجاویزی که برای جلوگیری از آن اتخاذ و یا پیشنهاد کرده باشد؟

اعتراف باینکه «همراه با عدم موثریت قیود گمرکی ...» سوال جدی دیگریرا بمیان میآورد که: چرا حکومت باوصف اعتراف بناغلی وزیر پلان که عضو حکومت است، بازهم نمی خواهد ویا نمی تواند قیود گمرکی را در برابر اموال بی‌مورد وارداتی، که نه‌تنها برای اقتصاد کشور ما ثمربخش نمیباشد، بلکه ازیك سو موجب نفوذ روزافزون استعمار نوین در کشور می گردد و ازسوی دیگر مانع ایجاد اقتصادملی میشود، موثر سازد. چرا؟ ... چرا؟ ... چرا به صراحت پاسخ داده نمی شود؟ تنها اعتراف کافی نیست! مگر انتظار دادگاه خلق را می‌کشند؟ آنوقت دیگر ناوقت است!.

از(ص ۲)

راز شکست ناپذیر...

های آنان با دقت گوش دهند، نیازمندیهای آنانرا تشخیص کنند، در میان خلق باشند «تا درجه معینی حتی بآن» در آمیزند، با توجه بسطح آگاهی موجودتوده های وسیع خلق کشور، با درنظر گرفتن اعتقادات، روحیات، عنعنات و عادات وشرایط جامعه در بیداری و ارتقای سطح شعور و آگاهی سیاسی آنها، درتشکل آنهامجدانه کمك کنند.

این اپورتونیزم چپ یعنی‌ماجراجوئی و فعالیت چپروانه خواهد بود اگر وقتیکه توده ها هنوز آگاه نشده اند علیه ارتجاع دست‌به‌تعرض زده شود. این مشی ما را با شکست مواجه‌میسازد. همچنان دنباله روی از عناصر عقب مانده واپورتونیزم راست خواهد بود اگر هنگامی که توده ها مایل به تعرض وپیشروی هستند ما به پیشروی وتعرض‌دلیرانه دست نزنیم.

گفته میشود «تماس با توده ها درواقع یك تحقیق علمی‌است». زیرا از این طریق است که میتوان معلوم کرد آیا توده ها حقیقت را درك کرده‌اند و آیا حاضر به اقدام هستند یا نه. ولی سوالی مطرح بحث قرار میگیرد که به چه طریق و شکل میتوان با توده ها تماس حاصل کرد؟

راه‌ها واشکال تماس باتوده‌ها:

تماس و پیوند با توده ها دردوران قانونی‌بودن وعلنی‌بودن یك سازمان سیاسی طراز نوین بحد کمال خود میرسد. به همین جهت است که نیروهای ترقیخواه با در نظر گرفتن جدی اشکال و صورتهای دیگرمبارزه وتلفیق ماهرانه‌آنها کوشش میکنند که ازحق فعالیت‌های آشکار وعلنی بهره مند شوند. باید درنظر داشت که این دسیسه هیأت حاکمه ارتجاعی است که فعالیت های غیر آشکار وحتی «غیر قانونی» را بالای نیروهای ترقیخواه و وطنپرست و سازمانهای سیاسی زحمتکشان و بخصوص طبقه کارگر تحمیل میکنند. در هر صورت وظیفه عناصر مترقی ودموکراتیك خلق افغانستان است که از طریق برخورد های خصوصی با مردم (در ادارات، فابریکه ها، چاپخانه‌ها، سرویسها و غیره) در کنفرانسها، اجتماعات کوچك و بزرگ مردم، تظاهرات، اعتصابات، مبارزات انتخاباتی و پارلمانی، جرگه های ولایتی و دهاتی، انجمن های‌شهری (شاروالی ها)،اتحادیه های کارگری و صنفی، کلوپهای ورزشی،انجمن‌های فرهنگی وادبی و غیره (اعم از اینکه ازطرف خود مردم یا سازمانهای دموکراتیك ومترقی و یا از طرف‌خود هیأت حاکمه ارتجاعی تشکیل‌میگردد) به‌شکلی از اشکال متناسب به‌شرایط دموکراتیك ویا غیر دموکراتیك فعالانه و هشیارانه با مردم تماس بر قرار سازند و به امر توضیح وتبلیغ، ترویج و تشریح حقایق وافشاگری نظام استبدادی‌وارتجاعی در کشور بپردازند و شجاعانه در رأس مبارزه قرار گیرند. در (بیماری کودکی «چپ‌روی» ....) گفته میشود «... و حتماً در جائی‌کار کرد که توده هست. باید بهر گونه فداکاری تن در داد و بزرگترین موانع را بر طرف ساخت تا اینکه بتوان بطور منظم و با سر سختی ومصرانه و صبورانه درست درآن موسسات و در بین آن جمعیتها واتحادیه ها، و لو ارتجاعی ترین آنها، که‌توده‌پرولتر (کارگرمزدبگیر) یانیمه پرولتر در آنجا هست به تبلیغ و ترویج پرداخت.» در جای دیگر همان اثر اظهار میگردد که «هدف انتقادو آنهم‌شدیدترین وبی‌امانترین وآشتی ناپذیر ترین انتقاد ها-باید... فعالیت پارلمانی نبوده، بلکه... بیشتر کسانی باشند که نمی خواهند ازانتخابات پارلمانی و تریبون پارلمان بشیوه انقلابی... استفاده نمایند. فقط چنین انتقادی... توده هارا تربیت خواهد کرد تا آنکه بتوانند از اوضاع سیاسی بدرستی سردر آورند ووظائفی راکه‌ازاین اوضاع ناشی میشود و غالباًبسیار مغلق و پیچیده است درك نمایند.»

شاید برای این مقاله کافی باشد!

در خاتمه بعنوان یك قاعده و بمثابه حیاتی ترین وظیفه میتوان اعلام داشت: ما دامیکه نیروی پیشآهنگ ترقیخواه دموکراتیك خلق افغانستان با توده های‌وسیع خلق، با اکثریت قریب به‌اتفاق ملت تماس وارتباط خود را تامین کنند و«باوسیعترین توده زحمتکشان... ارتباط برقرار سازد و نزدیك گردد و تا درجه معینی حتی بآن در آمیزد...» شکست نا پذیر خواهد بود.

در اینجاست که ما باید بتوده‌ها صادقانه کمك کنیم تا با ایمان راسخ درك کنند که ما واقعاً بیان کننده منافع آنان‌هستیم‌وزندگی‌ما‌بازندگی آنها جدائی ناپذیر است. ما باید به توده ها از دل و جان کمك کنیم‌تاآنها وظائف جنبش را درك کنند و بدینترتیب ازجنبش‌پشتیبانی نمایند، آنرا درسراسر وطن عزیزما‌افغانستان گسترش دهند، به شعار ها، به ستراتیژی و تکتیك سیاسی ما جواب مثبت دهند ودر راه‌به پیروزی رساندن جنبش رهائی بخش ملی واجتماعی مبارزه کنند.

دراینجاست راز مغلوب ساختن دشمنان خلق!

در اینجاست راز شکست ناپذیری ما!

به پیش در راه پیوند و تماس باتوده های خلق!

ببرك کارمل

د خلکو دزړونو درد

په لغمان کی دامنیت حال بددی

پدی راوروسته وختو کی د لغمان اوسیدونکی، په لغمان کی دبد امنی په‌وجه‌موږ ته شکایتونه لیکی. موږ دلته د ښاغلی «ر،ه» هغه‌اعتراض خپروو چه په لغمان کی دبد امنی له شرحی نه وروسته حکومت محکوموی اووایی د لغمان ولایت دامنیت‌د ساتلو په برخه‌کی خپل وظائف نه‌اجرا کوی. دی لیکی:

«له څومودی را پدیخوا د لغمان په‌مرکز او شاو خوا کی دغلاوو، زخمی کولو او ژلو پیښی زیاتی شویدی او ددی ځای د غریبوخلکو دژوندامنیت ئی اخلال کړیدی. څوورځي دمخه دلغمان دهمیشه بهار په سیمه کی یو زلمی‌چه‌نوی‌کوزده‌یی کړی‌وه او غوښته یی دخپلی مینی کور ته ورشی، په لاره کی ددوو غلو له‌خوا سخت ټپی شو. خودی‌زړور زلمی دهغو دوو رهزنانو څخه‌یوتن وواژه - خو وروسته معلومه‌شوه چه‌ژوندی غله‌دخپل وژل‌شوی‌ملگری سر پریکړی اووړی‌ؤ.گوا کی کوشش یی‌کړی‌وو چه دمقتول هویت پټ وساتی.

مونږ پخپله‌وینو چه‌د لغمان په اکثرو سیمو خلك وروستنه‌له‌ماښامه له‌خپل کور نه نشی راوتلای او له غلو ویریږی.

دی‌وضعی بیا په تیره د لغمان بی وزله خلك ډیر پریشان کړی او دهغوی د ژوند عادی جریان یی اخلال کړیدی. په خلکو کی‌دامشهوره شویده چه که څوك ددی غلو لاس ته‌ورشی، پیسی څنی‌اخلی، جامی‌یی څینی‌کاږی او بیا یی په یوه‌ونه‌پوری تړی‌او تر څویی چه له‌وسه کیږی وهی‌یی.

دافسوس ځای‌دا دی چه‌د لغمان دولایت له‌خوا چه قانونی‌مسوولیت لری د غلو دمخنیوی له پاره جدی اقدامات نه کیږی او کله لا خلکوته ویل کیږی چه« هر کله ووژل‌شوی، بیابه‌دی پوښتنه‌وشی». زموږ غوښتنه داده چه‌د لغمان ولایت‌دی خپل وظائف دامنیت د ساتلو لپاره اجراء کړی»

اهالی آقتاش برحکومت اعتراض میکنند

اهالی «آقتاش» خان آباد تاکنون چندین بارازپرچم تقاضا کرده‌اند که‌اعتراض ایشانرا نسبت عدم توجه حکومت به تعمیر پل بین آقتاش‌وخان آباد نشر کند.

بالاخره‌نماینده‌پرچم موضوع شکایت اهالی آقتاش رادر خان‌آباد مورد بررسی قرارداده ومطلب را چنین اختصار کرده است: «آقتاش تقریباً پنجهزارباشندهٔ داردوغالب اهالی آنرا دهقانان تشکیل میدهد. این منطقه‌که‌در کنار راست دریای تالقان موازی‌با منطقه‌خان آباد قرار گرفته- توسط دریای مذکوراز خان آباد جدا شده است.

باشندگان آقتاش نسبت فقدان‌پل بین خان آباد و آقتاش، مجبورند از راه پل «چوغه» که تقریباً بیست مرتبه نسبت براه مستقیم بین خان آباد و اقتاش دراز تر است، رفت‌و آمد کنند. علاوه برین هنگام نهالشانی شالی که مصادف با طغیان‌دریای تالقان است، عده‌یی‌از دهقانان ،بخاطر کوتاه کردن‌راه، عوض گذشتن از پل «چوغه» مستقیماً ازدریا عبورمیکنند واین امر باعث تلفات جانی برای یکعده دهقانان میگردد. تلفات‌سالانه ازین رهگذر را مردم آقتاش پانزده نفر تخمین میکنند. علاوه برین فقدان پل بین آقتاش وخان آباد متضمن اتلاف وقت، گرانی کرایه ومشکلات در روابط مردم گردیده است.

مردم آقتاش که تا کنون چندین بار بحکومت‌ومراجع‌مختلف آن‌عارض شده اند، کمکهای ممکنه را نیز پیشنهاد کرده‌اند ولی حکومت با وصف آنکه اعمار این پل را خیلی ضروری پنداشته‌و آنرا وعده داده است - درعمل باین‌امر اقدام‌نمی‌ورزد وباین امر حیاتی‌مردم توجه نمی کند. از همین سبب مردم آقتاش شدیداً بر حکومت اعتراض میکنند»

له بزگرانو سره ظالمانه‌رفتار کیږی

له لوگر نه ښاغلی (ع،ا) لیکلی دی:« دقوس‌په ۲۳ ورځ د زرغون ښار د کلی‌د یو محلی متنفذ اوزوورور سړی یوولس تنه وسله‌وال زمن او خپلوان پهدادو خیلو کی دخپلو (۱۵۰۰۰) افغانیو پور له پاره دامین‌الله بزگر کور ته ورغلل.

امین‌الله بزگر پوردارانو ته وویل چه‌زه په‌دی خپل ټول ژوندکی همدایو کورلرم - هغه‌می خرڅلاو ته اچولی دی‌خو څوك یی نه‌اخلی، نو که‌یی تاسی پخپل پور کی منيء تاسی ته به‌یی‌در کړم، او که یی تاسی نه غواړی‌عماته‌وخت راکړیء چه خریدار ور ته‌پیدا کړم اودتاسی پورپریکړم. خو زورورو دا خبره‌ونه منله او په بی وزلی بزگر یی دوهلو پیل وکړ او هغه یی دومره وواهه چه‌زیاتی‌یی د حرکت کولو قدرت نه درلود.

پدی پیښی‌باندی دشاوخوا کلیو ټول خلك خبر شول او امین‌الله‌بزگرته‌یی دعرض کولو سلا ورکړه،خو‌خوارکی بزگر له‌عرض نه‌مخ واړاوه‌اوخلکوته یی‌وویل :« حکومت د زورورو دی اود بزگرانو نه دی .»

از(ص اول)

مبارزه علیه احتکار غله..

نقاطیکه غله در آن فراوان است، به نقاطیکه ازین‌لحاظ دچارمضیقه‌اند، غله حمل گردد وقیم بطور عمومی تثبیت و تحت کنترول دقیق درآورده شود.

ولی باوصف این طرح حد اقل، باید بکمال تأسف اعلام داشت که‌این امرمبرم و حیاتی روزمره مردم نیز، ازطرف دستگاه حاکمه و ادارهٔ‌موجود کشور امکان پذیر نیست. زیرا، این کار و امر جمع آوری عادلانه محصولات، حمل وتوزیع آن بمقیاس وسیع در سراسر کشور بامحاسبهٔ نیازمندی ملیونها نفوس کشور و مبارزه علیه محتکرین وملاکان‌ثروتمند وبانفوذ و حل مسالهٔ ارضی یك قدرت حاکمهٔ آهنین دموکراتیك و مترقی میخواهد.

باید خاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی هرگونه اقدامی که در زمینه مبارزه علیه احتکار غله بوجود آید، متنفذین و مستبدین محلی و متحدین آنان در دستگاه دولت درهر قدم عملا آنرا عقیم می سازند.

ثروتمندان روستا، سود خوران و یغماگرانیکه سالهاست تمامی دهات کشور را می چاپند، ترجیح میدهند از راه احتکار و استثمار دهقانان بی‌زمین وکم زمین‌وتمام‌اهالی کشور، کیسه‌های خودرا پرکنند.

هرکسی که استعداد فکر کردن را دارد، هرکسی که بخواهد اندکی دربارهٔ رنج و فقر توده های خلق بیندیشد، برایش روشن می‌گردد که باید مبارزه برای ریشه‌کن کردن فقر وحل مشکل خواربار درچه‌جهتی سیر کند.

مسلماً در جهت انهدام پایه های فئودالی، تحت فشار جنبش دموکراتیك همهٔ مردم. زیرا تنها اصلاحات عمیق ارضی وجنبش‌وسیع دهقانی میتواند بقایای نظام قرون وسطائی را که سد راه ترقی نیروهای مولده استند، از میان بردارد و مشکل خواربار و مسالهٔ قلت‌واحتکار غله را که از مشکلات روزمرهٔ توده‌های وسیع خلق‌وطن‌ما افغانستانست حل کند.